



کلیسای مخفی

فرشتگان، دیوها و جنگ روحانی

دکتر دیوید پلات

۶ نوامبر سال ۲۰۰۹

کلیسای مخفی

فرشتگان، دیوها و جنگ روحانی

ما که هستیم...

من فروتنانه برآنم که کلام این خدای عظیم رابه شما برسانم والبته برای این منظور به دقت دعامی کنم. کلام او و مطالعه ی آن آتش پرستشش رامشتعل می سازد. حال ما به واسطه ی کلام شروع به پرستش خواهیم کرد.البته هدف ما در این وقتی که با هم خواهیم داشت،بسیار عمیقتر از مطالعه در رابطه با فرشتگان، دیوها و جنگ روحانی است.

از ابتدا می خوام شما متوجه این مسئله باشید که این موضوع به هیچ وجه بازی نیست.یک نبرد واقعی برای رها کردن روحهای واقعی مردان، زنان و پسران و دختران کوچک هست که البته مخاطرات بالایی هم دارد. مخاطرات آن خیلی بالاتر از جنگهایی است که تا کنون به وقوع پیوسته یا در آینده به وقوع خواهد پیوست. دوم قرننیاں باب ۴ آیات ۴ تا ۶ می گوید:

که در ایشان خدای این جهان فهم های بیایمانشان را کور گردانیده است که مبادا تجلی
بشارت جلال مسیح که صورت خداست، ایشان را روشن سازد. زیرا
به خویشان موعظه نمیکنیم بلکه به مسیح عیسی خداوند، اما
به خویشان که غلام شما هستیم بخاطر عیسی. زیرا خدایی که گفت تا نور از
ظلمت درخشید، همان است که در دلهای ما درخشید تا نور معرفت جلال خدا در
چهره عیسی مسیح از ما بدرخشد.

(دوم قرننیاں ۴: ۴-۶)

از همین شروع مطالعه، از شما می‌خوام تا درباره اهمیت این متن فکر کنید. نبردی میان خدایی که ابتدای نامش با حرف کوچک جی در زبان انگلیسی شروع میشه (خدایان دروغین)، کسی که فکر تمام بی‌ایمانان را کور کرده، با خدایی که ابتدای نامش با حرف بزرگ جی در زبان انگلیسی آغاز میشه، خدای آسمان و زمین، خدایی که نور رابه قلبهایمان می‌تابونه، درگرفته است. امیدوارم شما این مسئله رو درک کرده باشید. خدایی حقیقی از جنس نور وجود داره که مایله تمام مردم در سرتاسر دنیا نجات یابند، و خدایی دروغین در این دوران تاریکی وجود داره که اشتیاقش سوق دادن تمامی انسانها در سراسر این جهان به سوختن در آتش جهنمه، و من و شما دقیقاً در وسط آن هستیم - آیه ۵ - موعظه درباره عیسی هست.

اینجا جاییه که باید تصمیم بگیریم که، ما که هستیم؟ در اواخر دههٔ چهل میلادی دولت ایالات متحده ی آمریکا ناو نیرو بری به نام اس.اس. به ارزش ۸۰ میلیون دلار را که جهت خدمت به نیروی دریایی ایالات متحده ساخته شده بود به کارگرفت. این وسیله با هدف حمل ۱۵۰۰۰ نیرو به جنگ ساخته شده بود و در آن زمان سریعترین و قابل اعتمادترین وسیله در جهان بود. این وسیله قادر به پیمودن ۱۰۰۰۰ مایل بدون نیاز به توقف جهت سوخت گیری و یا تأمین تدارکات بود، همچنین از هر کشتی دیگری پیشی می‌گرفت، به هرجایی در دنیا در کمتر از ۱۰ روز میرفت، اما نکته اینجاست که اون ناو هرگز هیچ نیرویی را حمل نکرد.

تنها یک بار در زمان بحران موشکی کوبا این وسیله به حالت آماده باش در آمد اما هرگز ظرفیت کامل آن توسط نیروی دریایی آمریکا به کارگرفته نشد. در عوض، به عنوان یک کشتی مسافربری لوکس برای رؤسای جمهور، سران ایالات و افراد نامدار شناخته شد. حالا به عنوان یک کشتی مسافربری لوکس، دیگر نمیتونست ۱۵۰۰۰ نیرو حمل کنه، تنها کمتر از ۲۰۰۰ مسافر میتوانستند از ۶۹۵ اتاق مجلل، ۴ سالن غذاخوری، ۳ بار، ۲ سالن تئاتر، ۲۰۲۳۵ متر مربع عرشه با یک استخر آب گرم، ۱۹ آسانسور و سایر امکانات رفاهی اولین کشتی مجهز به سیستم تهویه ی مطبوع هوا لذت ببرند. به جای کشتی ای که در زمان جنگ به عنوان استحکامات استفاده می‌شد، اس اس، تبدیل به وسیله ای جهت پذیرایی کردن از مشتریان ثروتمند شد که با آرامش قصد سفر در سواحل اقیانوس اطلس را داشتند.

یک سؤال محوری...

من معتقدم که ما امروز نیاز داریم به یک سؤال اصلی در کلیسا پاسخ بدیم ، واون سؤال اینه که ، ” آیا ما به عنوان کلیسا یک کشتی حمل نیرو هستیم ، یا یک کشتی مسافربری لوکس ؟“ آیا ما کشتی حمل نیرو هستیم یا کشتی مسافربری لوکس ، به دلیل اینکه شرایط اساساً در یک کشتی حمل نیرو نسبت به یک کشتی مسافربری لوکس متفاوت به نظر می یاد.

تفاوتهای جدی...

چندین تفاوت جدی وجود داره ، رفتارهای ما متفاوت خواهد بود. چهره های سربازانی که برای نبرد آماده می شوند خیلی متفاوت تر از چهره مشتریان به نظر می رسد که ازخوش گذرانی لذت میبرند. استفاده ی ما از منابع خیلی متفاوت خواهد بود . ذخیره ی منابع در کشتی حمل نیرو در مقابل فراوانی در کشتی مسافربری تفاوت چشمگیری دارد ، وسرعت ما متفاوت خواهد بود . سرعت حرکت یک کشتی حمل نیرو بسته به نیاز ، خیلی سریعتر از کشتی مسافربری است . گذشته از اینها ، یک کشتی حمل نیرو مأموریتی فوری دارد که باید به انجام برساند ، در حالی که کشتی مسافربری آزادانه از راندن درطول مسیرلذت می برد.

یک تصمیم بسیار سخت...

من معتقدم که ، در کلیساهای امروزی ما به این درک رسیده ایم که کلیسا همانند یک کشتی مسافربری است. فلسفه ی وجود کلیسا اینه که به من احساس راحتی بده ، و خودش رو با اولویتهای من تطبیق بده و آرزوهای من رو بر آورده کنه ، و در طی این فرآیند ما بینش خودمون رونسبت به جنگ دائمی ای که در پیرامونمان جریان داره از دست داده ایم و حالا ما با یک تصمیم بسیار جدی مواجهیم و آن کلیساست . آیا ما خودمون رو در آرامش و راحتی این دنیا مضمحل خواهیم کرد ؟ یا خودمون رو وقف نبرد برای مردم در سرتاسر دنیایمی کنیم ؟ من معتقدم که این سؤالیه که امروز کلیسا با اون مواجهه.

می خوام شما را دعوت کنم که به کشتی حمل نیرو داخل بشید و ازتون میخوام که زندگیتون رو وقف شکست دادن دشمن بکنید و مژده ی پادشاهی را به گوشه گوشه ی جهان ببرید ، وبه هزینه های این راه اهمیت ندید . این موضوعیه که محور مطالعه ی ما رو تشکیل میده . کلیسای مخفی طراحی نشده که کشتی مسافربری لوکس باشه . این مطالعه به منظور تأمین آسایش ما نیست ، بلکه به منظور تجهیز کلیسا به عنوان یک بدن واحد هست – نه سرگرم کردن کلیسا واعضاء اون – بلکه برای شناخت اینه که درمسیح کی هستیم ومفهوم آزادانه زیستن بامسیح چی هست؟

فقط به این دلیل نیست که شما آزادی رو تجربه کنید بلکه به این خاطر که شما بتوانید سایرین رو از دیگر امتهای به سوی آزادی رهبری کنید و اینکه اونها بتونن مژده ی پادشاهی ای رو که ما به عنوان ایمانداران در سراسر دنیا گرامی می داریم ، بشنوند . تا اینکه خدای عظیمی رو که ما می پرستیم بشناسند . بنا براین ضمن مطالعه ، شما رو به برداشتن نکات خوب تشویق می کنم . شما تنها به خاطر خودتون مطالعه نمی کنید هدف این درسها افزایش اطلاعات شما نیست ، بلکه مجهز کردن شما جهت بردن کلام بفرشتگان ، دیوها و جنگ روحانی و همچنین به کارگرفتن آن در مکانهایی که می روید و تدریس آن در قالب یک متن در هر جایی از این دنیا که خداوند شما را برای زندگی در آن مکان انتخاب میکنه ، می باشد.

این بزرگتر از چیزی است که در هر جایی که شما هستید در جریان هست. یاد داشت هایی راجهت رجوع به کتاب مقدستان برای روزهای پیش رو آماده کنید . من قصد دارم در طی این زمانی که باهم مطالعه میکنیم تا جایی که ممکنه اطلاعات هر چه بیشتری در اختیار شما گذاشته و شاید مختصر اطلاعاتی پیرامون فرشتگان ، دیوها و جنگ روحانی هم به شما بدم . هدف این نیست که شما از کنار این موضوع رد بشید و بگید : «جالب بود!» بلکه هدف برای مردم سراسر جهان این هست که پس از این تعلیمات تجهیز و آماده شوند تا امتهای را برای جلال عیسی مسیح بوسیله ی شکست دشمن هدایت کنند . بنابراین آیا شما با ما هستید ؟ بله ، پس شروع می کنیم.

در حال رفتن به کجا هستیم...

تنها با یک مقدمه کوچک در رابطه با اینکه ما کجا می رویم آغاز می کنم . چیزی که می خوام انجام بدیم ، صرف مقداری زمان بر روی تعدادی از حقایق اساسی هست که اساس هر چیز دیگه ای در این مطالعه بر اون بنا نهاده شده . و بعد اونها رو به سه مقوله تقسیم می کنیم : فرشتگان : هدف ، بررسی این موضوع هست که فرشتگان چه کسانی هستن ؟ چطور سازماندهی می شن ؟ چه کار هایی می کنن ؟ و در نهایت چگونه با ما ارتباط برقرار می کنن ؟ سپس دیوها هستند : دیوها چه هستند ؟ شیطان کیست ؟ چگونه شیطان و دیوها با خداوند ارتباط پیدا می کنن ؟ و در نهایت چگونه شیطان و دیوها با ما ارتباط پیدا می کنن ؟ در آخره سراغ جنگ روحانی خواهیم رفت ، با این هدف که از میان این تاریخ رهانی بخش سه دوره زمانی اصلی رو استنتاج کنیم که شامل : عهد

عتیق ، توصیف مسیح در اناجیل و کلیسا در نامه های رسولان هست . سپس به جنگ روحانی در این سه بخش از کتاب مقدس نگاهی خواهیم داشت و مطالعات خودمون رو با طرح سوالات مباحثه ای جمع بندی خواهیم کرد. پس خدمت رهایی چی ، آیا از طریق اخراج دیوها از افراد حاصل میشه ؟ آیا یک مسیحی می تونه دیو داشته باشه ؟ آیا ما باید با دیوها مرادوه داشته باشیم – از طریق مکالمه ، صدا کردن ، و یا به اجبار؟ آیا ما می تونیم دیوها رو از مکانی بگیریم یا از مردم به ارث بگیریم ؟ ما با دو چالش نهایی در نتیجه گیری مواجه خواهیم شد که مرا کاملاً شیفته ی خود کرده اند. من الان می خوام به اونها بپردازم اما بهتره که با هم در طول این مسیر پیش بریم.

حقایق پایه ای

یک جهان روحانی وجود دارد .

حالا با هم مبحث حقایق پایه ای رو آغاز می کنیم ، اما جهت اطمینان قبل از پرداختن به مسائل عمیق تر به ذکر تعدادی از اصول پایه ای می پردازیم . اولین اصل : یک جهان روحانی وجود دارد . در این راستا شما رو به دوم پادشاهان باب ۶ دعوت می کنم.

حالا قصد داریم که به نقل قولهای مختلف در کتاب مقدس مراجعه کنیم ، در بعضی از قسمتها البته نه در تمامی نقل قولها ، قسمتهایی هست که می خوام مطمئن بشم ، که کاملاً به اونا توجه میکنین . سعی کردم آیاتی رو که در طول این مطالعات با آنها سرو کار داریم در این متن بگنجونم تا مجبور نباشیم وقت زیادی را برای پیدا کردن آیات و رفتن از جایی از کلام به جای دیگه صرف کنیم . حالا از شما می خوام که به داستان ذکر شده در دوم پادشاهان باب ششم نگاهی بکنید ، در اینجا می بینیم که الیشع نبی خداوند بود ، در این متن او به عنوان ” مرد خدا ” توصیف می شود . می خوام ببینید اینجا چه اتفاقی می افته ، پس به دوم پادشاهان باب ششم آیات ۸ تا ۱۰ توجه کنید.

اینجا الیشع ، همان نبی ، مرد خداست.

و پادشاه آرامیا اسرائیل جنگ می کرد و بایندگان خود مشورت کرده، گفت: «در فلان جا

اردوی من خواهد بود. » اما مرد خدا نزد پادشاه اسرائیل فرستاده ، گفت: « با حذر

باش که از فلان جا گذر نکنی زیرا که آرامیان به آنجا نزول کرده اند. » و
پادشاه اسرائیل به مکانی که مرد خدا او را خبر داد و وی را از آن انذار نمود، فرستاده،
خود را از آنجا نه یکبار و نه دو بار محافظت کرد.

بنا بر این می توانید ببینید که اینجا چه چیزی در حال رخ دادنه . پادشاه آرام در صدد نابودی پادشاه
اسرائیل و تمامی لشکر او بوده ، پس خداوند به الیشع می گه که محل اردوی پادشاه آرام کجاست.
پس الیشع می گه ، ای پادشاه اسرائیل با حذر باش که پادشاه آرام فلان جا نزول کرده است . واضح
هست که این مسئله پادشاه آرام را خیلی خوشحال نمی کرد ، بنابراین دوم پادشاهان باب ۶ آیه ی
۱۱ میگه:

و دل پادشاه آرام از این امر مضطرب شد و خادمان خود را خوانده، به ایشان گفت: «آیا
مرا خبر نمی دهید که کدام از ما به طرف پادشاه اسرائیل است؟»

به عبارت دیگر ، اینجا خائن کیست ؟ و در ادامه می بینیم ،

یکی از خادمانش گفت: «ای آقایم چنین نیست، بلکه الیشع نبی که در اسرائیل است،
پادشاه اسرائیل را از سخنانی که در خوابگاه خود می گوئی ، مخبر می سازد . (دوم
پادشاهان ۱۲: ۶)

اونها دارن می گن که : ” ای پادشاه او همه چیز را درباره ی تو میداند . او تمامی نقشه
های شما را می داند .“ بنابراین ، پادشاه آرام تصمیم می گیره و میگه ، ” لازم است الیشع
رابکشیم .“ پس پادشاه مردانی رو برای پیدا کردن او می فرسته ، آیه ی ۱۳ .

او گفت: «بروید و ببینید که او کجاست، تا بفرستیم او را بگیریم.» پس او را خبر
دادند که اینک در دوتان است . پس سواران و ارابه ها و لشکر عظیمی بدانجا فرستاد و
ایشان وقت شب آمده، شهر را احاطه نمودند (دوم پادشاهان ۱۳: ۶-۱۴)
بنابراین در نیمه شب ، اونها شهر رو محاصره می کنن . کل لشکر الیشع رو هم محاصره
می کنن و آماده ی گرفتنش هستن . سپس، چه اتفاقی می افته ؟ آیه ی ۱۵ ،

و چون خادمِ مردِ خدا صبح‌زود برخاسته، بیرون رفت، اینک لشکری با سواران و اربابه‌ها
شهر را احاطه نموده بودند. پس خادمش وی را گفت: «آه‌ای آقایم چه بکنیم؟» (دوم
پادشاهان ۱۵: ۶)

او هول می‌کنه. یک لشکر کامل اومده که کم مونده نابودشون کنه. و اما، به حرفی که
الیشع بهش می‌زنه گوش کنین.

او گفت: «مترس‌زیرا آنانی‌که‌با مایند از آنانی‌که‌با ایشانند بیشترند.» (دوم
پادشاهان ۱۶: ۶)

حالا به این پاسخ جالب توجه کنین. خودتون رو به جای خدمتکار داستان بذارید. "قبول
این حرف مشکله. کسانی که با ما هستند - بیشتر از کسانی هستند که با آناند - ما دو
نفر بیشتر نیستیم لشکر در واقع دور تا دور شهر رو گرفته - مرد پیر نبوتش خوبه اما
ریاضیش تعریفی نداره." پس چه اتفاقی می‌افته؟

و اَلِیشَع دعا کرده، گفت: «ای خداوند چشمان او را بگشا تا ببیند پس خداوند
چشمان خادم را گشود و او دید که اینک کوه‌های اطراف اَلِیشَع از سواران و
ارابه‌های آتشین پر است.» (دوم پادشاهان ۱۷: ۶)

ناگهان، خدمتکار توانست لشکری کامل از سوی خداوند رو ببینه که این لشکر رو محاصره کردن
و این دقیقا همون چیزیه که او گفت، "تعداد بیشتری با ماست تا با آنها" بنابراین آیه ی ۱۸ میگه،
و چون ایشان نزد وی فرود شدند، اَلِیشَع نزد خداوند دعا کرده، گفت: «تَمَنَّا اینکه این گروه را
به کوری مبتلا سازی.» پس ایشان را به موجب کلام اَلِیشَع به کوری مبتلا ساخت. و اَلِیشَع، ایشان را گفت:
«راه این نیست و شهر این نیست. از عقب من بیاوید و شما را به کسی که می‌طلبید، خواهیم رسانید.»
پس ایشان را به سامره آورد. و هنگامی که وارد سامره شدند، اَلِیشَع گفت: «ای خداوند چشمان ایشان را
بگشا تا ببینند.» پس خداوند چشمان ایشان را گشود و دیدند که اینک در سامره هستند.
آنگاه پادشاه اسرائیل چون ایشان را دید، به اَلِیشَع گفت: «ای پدرم آیا بزئم؟ آیا بزئم؟» (دوم پادشاهان ۱۸: ۶-
۲۱)

آیا متوجه اتفاقی که الان افتاد ، شدین ؟ الیشع اونها رو مستقیما به سمت پادشاه اسرائیل هدایت کرد.

دلیل اینکه این آیات رابرای شما گفتم این بود که شما خودتونو در این داستان قرار بدید تا اینکه بدونیم ، ما چه قدر شبیه خادم الیشع هستیم . دید ما خیلی محدوده ونکته ی داستان دقیقا همینجاست . دنیای روحانی وجود داره ، و ، برادران و خواهران من ، خیلی اتفاقات در جریانند که ما اونها رو نمی بینیم . یک جهان نامرئی که دقیقا مانند دنیای مرئی واقعیه ، که خیلی قدرتمندتر از دنیای مرئییه . فقط به این مسئله فکر کنید . تعداد انبوهی از فرشتگان ، خوب و بد در اطراف ما وجود دارن . کافیه فقط لحظه ای بهش فکر کنین . فرشتگان البته فرشتگان مقدس ، اگر میتونستیم اونها رو ببینیم ، بدون شک مبهوت زیبایی هاشون می شدیم . همینطور راجع به ، فرشته های اهریمنی ، دیوها ، اگر اونها را ببینیم از ترس به خودمون می لرزیم . خداوندا چشمانمون رو باز کن تا دنیای روحانی رو ببینیم .

حالا تو این مرحله ، استدلالهای مختلف خودشون رو آشکار می کنن . اونا میگن توضیحات در رابطه با دنیای روحانی بدوی هستن . آیا نمی دونید ، علم ، تکنولوژی ، پزشکی ، باور به دنیای روحانی رو به عنوان یک عمل نادرست معرفی می کنن ؟ وقتی که می گید ، من به وجود دیوها و فرشتگان اعتقاد دارم مثل اینه که بگید ، من به دایناسورها ، جن ها و پری ها اعتقاد دارم . واقعا اگر شما نتوانید چیزی رو ببینید ، احساسش کنید ، لمسش کنید ، ببویید ، پس اون چیز وجود نداره ؟

ما در برابر جهان روحانی نابینا هستیم . چگونه می تونید توضیح بدید که خداوند رعد و برق ها رو کنترل می کنه ؟ در حالی که می دونیم هواشناسان یک هفته قبل از وقوع اونها رو پیش بینی می کنن چگونه می تونید بگید که نیرویی وسوسه گر وجود داره ، کسی که مردم رو به انجام دادن گناه وسوسه می کنه ، در حالی که می دونیم گناه فقط محصولی از دی ان ای و محیط اجتماعیه که در اون زندگی می کنیم ؟ حتی کارهایی که ما در آینده قراره انجام بدیم ، قابل پیشگویی هست . به واقع چگونه می تونید به چنین چیزهایی معتقد باشید ؟

در بیشتر مواقع ، به دنیای روحانی – فرشتگان و دیوها - به عنوان یک افسانه ی مذهبی نگاه شده . این قسمت یکی از بخشهای بزرگ از نامه های اسکورتیپ هست ، یکی از کتابهای کلاسیک از

سی . اس لوئیس . به حرفهای وارم وود - دیو پیرتر - که درحال نصیحت کردن دیو جوون تر در مورد نحوه ی گول زدن انسانهاست ، گوش کنید :

"من فکرنمی کنم که برای نگهداری بیمار در تاریکی دچار مشکل بشی . این واقعیت که شیاطین تو دنیای امروزی به اشکال کمدی نشون داده می شن ، به تو کمک می کنه . اگر کوچکترین سوءظنی در رابطه با موجودیت تو در ذهنش بوجود بیاد ، فقط تصویر چیزی در لباس تنگ قرمز را به اون تلقین کن . و وادارش کن این مسئله رو درک بکنه ، چون تا زمانی که به اون تصویر باور نداشته باشه ، پس بنابراین نمی تونه به تو باور داشته باشه ."

تمدن مدرن این موضوع رو از طریق مباحثه برای ما روشن می کنه که نه تنها در مورد دیوها و فرشتگان فکر کنیم ، حتی بدون فکر کردن در رابطه با اونها حرف نزنینم ، آیا این مسئله زیادی دیوونه وار به نظر نمیاد ؟ آیا ما فقط درحال تصور کردن این مسئله هستیم ؟ توضیحات روحانی بدوی هستند . حقایق روحانی فراگیر نیستند . به عبارت دیگه ، حتی اگر تصدیق کنیم که دنیایی روحانی وجود داره ، گاهی اوقات شروع به فکرکردن می کنیم ، " خوب ، این مسئله فقط با جلسات احضار ارواح و لوح مخصوص اون سر و کار داره و آداب و رسوم سرّی خودش رو داره و غیره ."

این طرز تفکر به شدت خطرناکه ؛ فکر کردن به اینکه اونها فراگیر نیستن ؛ انکار کردن این حقیقت که نبردی که دردنیای روحانی درجریانه ، اثر مستقیمی بر زندگی ما داره - اثر بزرگی برچیزی که ما از طریق تلویزیون می بینیم ، و به اون واکنش نشون می دیم داره . و اینکه ، شما شوهرها چگونه ، باهمسران خود حرف می زنید ؛ و شما والدین چگونه ، با فرزندان خود حرف می زنین ؛ و چگونه هر روز زندگی می کنید و چگونه پولتون روخرج می کنید ، اینها چیزهاییه که تماماً با دنیای روحانی سر و کار داره . حتی اگر تصدیق کنیم که دنیایی روحانی وجود داره ، در عرصه زندگیمون ، بیشتر مواقع ارتباط اون رو با دنیای طبیعی خودمون قطع می کنیم و اینطوری فکرمی کنیم " خوب ، حقیقتاً این دو هیچ رابطه ای با هم ندارن ."

ما متوجه نمی شیم که دنیای روحانی چطور در دیپلوماسیهای ما ، درکار های ما ، در همسایگی های ما ، در خانه های ما و در هر چیزی که انجام می دیم نفوذ می کنه . ما در حقیقت ، این تمایز

رو از طریق انجام مأموریتها به سراسر جهان صادر کرده ایم . لسلای نیو بیگین گفته که " مبلغان مسیحی یکی از سکولارترین نیروها در تمام دنیا هستند . " به تمامی ما مردان و زنان در کل دنیا گفته شده که علت رشد محصولات عوامل روحانی نیست ، بلکه علتش علم کشاورزیه . بنابراین ، ما ، کودها ، مواد دفع قارچها ، مواد دفع آفتها و دانه های پیوندی رو فراهم کردیم و به اونها نشون دادیم که دینشون هیچ ربطی به کشاورزی نداره . این بستگی به قلمرو علم داره . چیزی که ما باید بگیریم اینه که ، این جهان توسط خدا خلق شده و از طرف خداست که پایدار نگه داشته شده ، و او راه های مختلفی را برای بکار انداختن این جهان طراحی کرده ، و زمانی که بر طبق روش او عمل می کنیم ، بیشترین و بهترین هدایاش رو در این جهان تجربه می کنیم . بنابراین ، او رو جستجو می کنیم ، و در این زمینه کار می کنیم که چگونه او ، به عنوان طراح بدون نقص این دنیا ، ما رو ساخته ، اما ما ارتباط این دو رو در زندگی هامون قطع می کنیم . به عنوان یک نتیجه ، ما در زندگی های روزمره مون هیچ نیازی به قدرت ماورای طبیعی خداوند مشاهده نمی کنیم . حتی ما گناهانمون رو با ربط دادن به اختلالات و مشکلات روانی که نیازه در متن جامعه اصلاح بشن ، کاهش می دیم ، و به دنیای روحانی اطراف خود توجهی نشون نمی دیم.

حتی بعضی ها می گن ، قدرتهای روحانی در کتاب مقدس رایج نیستن. امامن می خوام به شما نشون بدم که یک جهان روحانی فعال ، رایج ، فراگیر و نافذ در تمام طول کتاب مقدس وجود داره . از همون ابتدا ، در پیدایش باب ۳ آیه ۱ ، سقوط انسان:

و مار از همه حیوانات صحرا که خداوند خدا ساخته بود، هشیارتر بود. و به زن گفت: «آیا خدا حقیقتاً گفته است که از همه درختان باغ نخورید ؟ تا وسط کتاب مقدس درمتی (۴:۱) آنگاه عیسی به دست روح به بیابان برده شد تا ابلیس او را تجربه نماید. تا آخرین قسمت در مکاشفه ۲۰ زمانی که شیطان تحت داوری قرار می گیرد . و چون هزار سال به انجام رسد، شیطان از زندان خود خلاصی خواهد یافت ۸ تا بیرون رود و امت هایی را که در چهار زاویه جهانند، یعنی جوج و ماجوج را گمراه کند و ایشان را بجهت جنگ فراهم آورد که عدد ایشان چون ریگ دریاست (مکاشفه ۷:۲۰-۸)

مطمئن بشید که این رو درک می کنید . اگر به جهان روحانی اعتقاد ندارید ، پس شما در حال انکار کردن حقیقت کتاب مقدس هستید . حتی از اون هم بالا تر ، اگر شما وجود جهانی روحانی در اطرافمان رو انکار کنید ، شما در حال انکار کردن صداقت خود عیسی مسیح هستید . مسیح از همون ابتدا در دنیای روحانی غرق شده بود ؛ یک فرشته مقصد او را و همین طور تولدش اعلان می کنه . او توسط شیطان در متی ۴ و لوقا ۴ وسوسه شده بود . او توسط فرشتگان پس از

وسوسه اش خدمت شده بود او می توانست لشکری از فرشتگان را از روی صلیب فرا بخواند . فرشتگان در مقبره حاضر بودند زمانی که سنگ به کنار غلتانده شد آنها حاضر بودند. زمانی که اوبه آسمان صعود کرد اونها حضور داشتند . تحلیل حقیقت جهان روحانی در واقع تحلیل حقیقت تولد ، زندگی ، رستخیز و صعود خود عیسی مسیح می باشد.

بنابراین عوالم روحانی فراگیرند . در اینجا باید از دو خطا دوری کنیم . سی . اس . لوییس هم در موردش گفته.

دو اشتباه مساوی و مخالف وجود دارد که نسل ما به واسطه ی اونها در معرض سقوط به سمت شیاطین قرار می گیره . یکی عدم اعتقاد به وجود آنهاست . دیگری اعتقاد به آن و داشتن احساس توجه و علاقه ی بیش از حد و ناسالم به اونهاست . خود شیاطین از بروز هر دوی این اشتباهات به یک اندازه خوشحال می شن ، و به خاطر این لذته که به مادی گراها و جادوگران درود می فرستن .

خطای شماره ی یک فلسفه ی عقل گرایی پوچ . حالا چه دنیای روحانی روبه عنوان یک افسانه ی مذهبی رد کنین یا اون رو طبقه بندی کنین . اینجا جایی هست که می بینیم بیشتر مردم جهان از چیزی که ما فکر می کنیم ، دنیا پرست تر ، نفسانی تر و مادی گراترند . اینجاست که باید متوجه بشیم که بیشتر مردم دنیا به سمت فلسفه ی عقلانی پوچی گرایش دارد . چیز دیگه ای که باید ازش اجتناب کرد ، یک تعصب یا کوتاه فکری افراطی ، هست . بله ، واقعیت های روحانی وجود دارن ، اما اگر مراقب نباشیم ، و اونها رو بیش از حد مورد تجزیه و تحلیل قرار بدیم و در دیدگاه خودمون نسبت به حقایق روحانی افراط کنیم ، باعث به وجود اومدن اشتباهات و تصورات غلط می شیم .

صادقانه این رو میگم ، بعد از ماهها مطالعه و بررسی درباره ی این موضوع ، متقاعد شدم که موقع نظر دادن در مورد جنگ روحانی در حوزه ی مسیحیت ، همه نوع خیال ، خرافات ، وهم ، یاوه و بدعت کاری وجود دارد . باید مراقب باشیم . بله ، البته نه با محدود کردن خودمون بوسیله ی یک فلسفه ی عقلانی پوچ که جهان روحانی را نفی می کنه ، بلکه باید مراقب باشیم که در زمینه ی کوتاه فکری و افراط گرایی هم خودمون رو در گیر نکنیم .

دیوید پاولسن کتاب خیلی خوبی در زمینه ی مشاوره و ارتباطش با جنگ روحانی نوشته . او بیشتر در مورد کوتاه فکری مرتبط با جنگ روحانی صحبت می کنه . او حتی در مورد یک شوهر و

همسرش می گه که زمانی که شروع به دعوا کردن باهم می کردن ، شروع به اخراج دیوها از همدیگه می کردن . او اینطور استدلال می کنه که زن و شوهری که ازدواج کردن ، کنار هم " با تقویت خصومت خود نسبت به یکدیگر - نام مسیح را در حالت های خصم ، خرافات ، ترس و سردرگمی شان پایمال می کنند . " و با این جمله ادامه می ده ، " شیطان واقعی ، که هدفش بی احترامی به خدا و پیش بردن ما مطابق روش خودش ، تنها از خرابی هایی که در روابط شخصی و فردی به بار آورده ، خشنود می شه . "

من متقاعد شدم که یک سردرگمی بزرگی در سراسر دنیا پیرامون جنگ روحانی در این کلیسا و کلیسا های دیگه وجود داره ، پس صادقانه ازتون می خوام که این متن رو به دقت مطالعه کنین . ما باید از هر دوی این افراط گراییها و اشتباهات دوری کنیم .

ما در گیر یک جنگ روحانی شده ایم .

حقیقت پایه ی شماره ی یک : یک جهان روحانی وجود دارد . شماره ی دو: ما در گیر یک جنگ روحانی شده ایم . زیرا که ما را کشتی گرفتن با خون و جسم نیست بلکه با ریاستها و قدرتها و جهان داران این ظلمت و با فوجهای روحانی شرارت در جایهای آسمانی است (افسیان ۱۲: ۶) . نبرد ما با جسم و خون نیست .

این جنگ بر سر پادشاهی های ناسازگار یا مخالفه . قبل از این هم به این متن نگاهی انداخته بودیم .
کدر ایشان خدای این جهان فهم های بی ایمانشان را کور گردانیده است که مبادا تجلی بشارت جلال مسیح که صورت خداست ، ایشان را روشن سازد . (دوم قرنتیان ۴: ۴) اینجا شرح یک پادشاهی خدا و یک پادشاهی شیطان وجود داره . عیسی در یوحنا ۱۸: ۳۶ در مورد اینکه چطور پادشاهی او از این دنیاست سخن می گه . عیسی جواب داد که " پادشاهی من از این جهان نیست . اگر پادشاهی من از این جهان می بود ، خادمین من جنگ می کردند تا به یهود تسلیم بشوم . لیکن اکنون پادشاهی من از این جهان نیست . و شما را کدر خطایا و گناهان مرده بودید ، زنده گردانید ، کدر آنها قبل ، رفتار می کردید بر حسب دوره این جهان ، بر وفق رئیس قدرت هوا یعنی آن روحی که الحال در فرزندان معصیت عمل می کند . (افسیان ۱: ۲-۲) یک پادشاهی وجود داره که از آن خداست و با پادشاهی تاریکی هم زیستی می کنه ، و البته این هم زیستی همراه با آرامش نیست و در اون تنش وجود داره .

تاریخ داستانی از این تنش هست که باید اون رو درک کنیم ، از همون آغاز کتاب مقدس ، از همون ابتدا ، تاریخ بشر درامی از جنگ و صلح و ناسازگاری بین پادشاهی هاست که از پیدایش باب سوم به بعد آغاز می شه . در مرکز ملل کافر ، که دنباله روی قوانین پادشاهی هوا ، خدای این عصر ، خدایی که ابتدای نامش باجی کوچیک نوشته می شه، همان شیطان بوده ، خداوند کسی را از بین مردم می خونه که تبدیل به نوری در مرکز تاریکی بشه . هنوز ، حتی درخشنده ترین نورها در بین مردمش سقوط می کردن . ابراهیم هنوز فریب می داد و دروغ می گفت ، و موسی هنوز با بی ایمانی در کشمکش بود و مرد . نوح ، شخصی که به خدا ایمان داشت زمانی که هیچ کس به خداوند ایمان نداشت ، هنوز مست میشد ، و مرد . داوود ، مردی که به دنبال قلب خداوند بود ، مرتکب زنا شده و برنامه ریزی قتل کرد ، و مرد . بارها و بارها می بینیم که درخشان ترین نورها در بین مردان خدا هنوز در تاریکی نفوذ می کردن.

تا زمانی که به اون مرد کامل می رسیم . او به جهان ما می آید ، و هیچ گناهی در او وجود ندارد . او با زندگی اش ، با مرگش و با رستاختیش پیروزی می یابد . او پادشاهی نور را به ما نشان می دهد ، بنا براین تمام کسانی که به او اعتماد می کنند می توانند از طریق او از پادشاهی تاریکی نجات یافته و به پادشاهی نور آورده شوند ، اما حتی آنانی که به او اعتماد دارند هنوز دارای ذاتی گناهکارند که با آنها در جدال است ، و این کشمکش ادامه پیدا می کند . بله ، روزی خواهد آمد که پادشاهی این جهان تبدیل به پادشاهی پادشاه ما و عیسی مسیح می شود ، و او برای همیشه سلطنت خواهد کرد ، اما در این لحظه ، ما خودمان را در جنگ می بینیم. و فرشته ای بنواخت که ناگاه صداهای بلند در آسمان واقع شد که می گفتند: “سلطنت جهان از آن خداوند ما و مسیح او شد و تا ابد الاباد حکمرانی خواهد کرد ”. (مکاشفه ۱۵: ۱۱)

این یک نبرد دنباله دار است . می خوام که خیلی سریع همراه من به این مسئله که عهد جدید چگونه زندگی مسیحی را به عنوان یک جنگ توضیح می ده ، فکر کنیم . آن یک جنگ بر علیه گناه هست ، یک نبرد بر علیه گناه. هنوز در جهاد با گناه تا به حد خون مقاومت نکرده اید ، (عبرانیان ۴: ۱۲) این جنگی با روح ماست ، جنگی برضد روح ما. ای محبوبان، استعدا دارم که چون غریبان و بیگانگان از شهوات جسمی که با نفس در نزاع هستند، اجتناب نمایید ؛ (اول پطرس ۲: ۱۱)

نبردی بر علیه گناه ، جنگی با روح ما و ما برای ایمانمان می جنگیم . یهودا آیه ی ۳ در رابطه با اینکه چگونه باید برای ایمانمان مبارزه کنیم ، صحبت می کند . ای حبیبان، چون شوق تمام داشتیم که در باره نجات عام به شما بنویسم ، ناچار شدم که الان به شما بنویسم و نصیحت دهم تا شما مجاهده کنید برای آن ایمانی که یک بار به مقدسین سپرده شد . (یهودا ۳:۱) ما باید برای آن بجنگیم. ما برای انجیل می جنگیم . فیلیپیان ۱ می گوید:

به هر حال ، طوری زندگی کنید که رفتار شما شایسته انجیل مسیح باشد و من چه ببایم و شما را ببینم و چه نیایم ، مایلم در باره شما بشنوم که در یگانگی روح پا برجا هستید و با هم آهنگی پیوسته دست به دست یکدیگر داده به خاطر ایمان انجیل تلاش می کنید. به هیچ وجه از مخالفین نترسید، زیرا این شهادت شما ، به آنها ثابت می کند که به سوی هلاکت می روند و شما نجات خواهید یافت و آن هم از طرف خداست ، چون این امتیاز به شما عطا شده است که نه تنها به مسیح ایمان آورید ، بلکه بخاطر او نیز رنج و زحمت ببینید، زیرا شما نیز به همان مبارزه ای داخل شده اید که من داشتم و شما ناظر آن بودید ، و اطلاع دارید که هنوز هم گرفتار آن هستم. (فیلیپیان ۲۷:۱-۳۰)

در اول تیموتائوس باب ۶ ، پولس می گه ما در نبردی نیکو پیکار می کنیم . و جنگ نیکوی ایمان را بکن و بدست آور آن حیات جاودانی را که برای آن دعوت شدی و اعتراف نیکو کردی در حضور گواهان بسیار (اول تیموتائوس ۱۲:۶)

پولس به آخر زندگی و خدمتش می رسه و در دوم تیموتائوس باب ۴ می نویسه ، به جنگ نیکو جنگ کرده ام و دوره خود را به کمال رسانیده ، ایمان را محفوظ داشته ام . (دوم تیموتائوس ۷:۴) زندگی او در همین خلاصه میشه ، که جنگید و ایمانش رو حفظ کرد . او به مسیحیان عهد جدید در همون کتاب می گه که ما سرباز هستیم . چون سپاهی نیکوی مسیح عیسی در تحمل زحمات شریک باش . هیچ سپاهی خود را در امور روزگار گرفتار نمی سازد تا رضایت آنکه او را سپاهی ساخت بجوید . (دوم تیموتائوس ۳:۲-۴) ما سرباز هستیم .

عهد جدید در رابطه با اینکه ما چگونه سلاح های داریم صحبت می کنه . سلاح هایی که ما با آنها مبارزه می کنیم ، سلاح های دنیوی نیستند . در دوم قرنیتان ۴: ۶-۱۰ ، در وسط متن ، پولس در رابطه با "...سلاح های پارسایی در دست راست و چپ ..." صحبت می کنه :

بلکه می خواهیم با هر کاری که می کنیم نشان دهیم که خادمان حقیقی خدا هستیم ، یعنی با تحمل زحمات و سختی ها و دشواریها . ما در شلاق خورده ها ، حبس ها ، شورش ها ، بیخوابی ها ، گرسنگی ها و تلاش ها و همچنین با خلوص نیت ، معرفت ، صبر و حوصله و مهربانی نشان می دهیم که خادمان خدا هستیم . تمام این کارها را با کمک روح القدس و با محبت بی ریا در اعلام پیام حقیقت و با قدرت خدا انجام می دهیم . تنها اسلحه ما ، هم در دفاع و هم در حمله ، داشتن زندگی پاک و بی آلاش است ، گاه احترام و گاهی بی احترامی می بینیم . گاه مورد لعن و گاهی مورد ستایش هستیم . ما را افرادی دروغگو می شمارند ، حال آن که راستگو هستیم . گمنام ولی در عین حال مشهوریم ، به حال مرگ افتادیم ، ولی هنوز زنده ایم ، ما شکنجه می بینیم ، ولی بقتل نمی رسیم . غمگین ، ولی پیوسته شادمانیم ، ما چون گدا ، فقیریم ، ولی در عین حال بسیاری را دولتمند می سازیم ، بی چیزیم اما دارای همه چیز هستیم . دوم قرنیتان ۴: ۶-۱۰

پس ، به عهد عتیق ، دانیال ۱۲: ۱۰-۱۵ که بعد ها در طول مطالعه نگاهی سریع به آن خواهیم کرد ، باز می گردیم . جنگ در آسمانها در جریانه . در این متن ، دعاها دانیال در حال اثر کردن بر نبردی کامل بین فرشتگان در قلمروهای آسمانی است.

و مرا گفت: «ای دانیال مترس زیرا از روز اول که دل خود را بر آن نهادی که بفهمی و به حضور خدای خود تواضع نمایی سخنان تو مستجاب گردید و من به سبب سخنان آمده ام . اما رئیس مملکت فارس بیست و یکروز با من مقاومت نمود و میکائیل که یکی از رؤسای اولین است به اعانت من آمد و من در آنجا نزد پادشاهان فارس ماندم . و من آمدم تا تو را از آنچه در ایام آخر بر قوم تو واقع خواهد شد اطلاع دهم زیرا که این رؤیا برای ایام طویل است. » و چون اینگونه سخنان را به من گفته بود به روی خود بر زمین افتاده ، گنگ شدم.

نکته اینجاست که ما در زمان جنگ به سر می بریم ، نه در زمان صلح . ما باید این رو درک کنیم .
ما در زمان جنگیم ، نه در زمان صلح . این دلیلیه که ، بارها و بارها به چیزی که پولس در
افسیان باب ۶ می گه برمی گردیم ، "نبرد ما" - این مسئله ای هست که منو متحیر می کنه .
پولس می گه ، " نبرد ما با جسم و خون نیست ... " این یک نبرد فیزیکی نیست .

راجع به مسائلی که پولس از لحاظ فیزیکی در گیرشون بود ، فکر کنید . او سنگسار شده بود ، کتک
خورده بود ، آزار دیده بود ، مورد بدرفتاری قرار گرفته بود ، به زندان انداخته شده بود و بارها
کشتی او شکسته و غرق شده بود . اگر کسی قرار بوده بدونه که این نبرد ، نبردی فیزیکیه ، اون
پولسه ، اما این چیزی نیست که پولس می گه . او می گه که این نبرد در این رابطه نیست... " بر
علیه گوشت و خون نیست ، اما در برابر حاکمان ، در برابر مقامات ، در برابر قدرت این جهان
تاریک و در برابر نیروهای معنوی و روحانی شرارت در عرصه آسمانی است . "

این جنگ روحانیه و چیزی که در حال اتفاق افتادن در قلمرو روحانیه بسیار عمیقتر ، پر معناتر ،
پر اثر تر از اتفاقاتیه که در دنیای فیزیکی در جریانیه . به این حقیقت فکر کنید . شما در این دنیا
حرفی دارید که می خواد ازدواجتون رو نابود کنه ، پاکی و خلوص شما را از شما بدزده و شما رو
به سمت بد نام کردن خدایی که شما را نجات داده ، هدایت کنه . او می خواد شما رو پایین بکشه و
روحتونو نابود کنه . ما در زمان جنگیم ، نه در زمان صلح . هیچ زمانی برای عقب نشستن
و استراحت کردن وجود نداره . برادران و خواهران ، زمان صلح درحال اومدنه ، اما الان نیست .
الان نیست .

پایه ی فهم ما از این جنگ روحانی بر اساس کتاب مقدس است .

حقیقت سوم - حالا این خیلی مهمه : پایه ی فهم ما از این جنگ روحانی بر اساس کتاب مقدس
است . بر پایه ی کتاب مقدس است . اینجاست که باید برای جواب این سوال تصمیم گیری کنیم : در
حالیکه که به فرشتگان ، دیوها و جنگ روحانی فکر می کنیم ما چه قدرتی خواهیم داشت ؟ خیال یا
حقیقت ؟ آیا برآنیم تا در این مطالعه ، در رابطه با نویسندگان خیال پرداز که در رابطه با جنگ
روحانی نوشته اند ، صحبت کنیم یا در رابطه با کتاب مقدس ؟ خیال یا واقعیت ؟ تجربه یا تفسیر ؟ ما
نمی خوایم تمام طول شب در رابطه با اینکه اینجا یا اونجا چه اتفاقاتی در جریانیه ، صحبت کنیم . ما
میخوایم به این مسئله نگاهی بنذاریم که از کتاب مقدس چه چیزی رو درک می کنیم . درک مستقیم

یا تفسیر؟ چه چیزی در نظر ما صحیحه؟ یا چه چیزی رو خداوند به عنوان عمل درست اعلام کرده
؟

خانمها و آقایان اینجا جایی هست که باید تصمیم بگیرید ، دادگاه تجدید نظرما کجاست ؟ این یکی از چالشهای بزرگه ، به این دلیل که خداوند در سرتاسر دنیا کار کرده و در حال کار کردن به طرق مختلف و شرایط متفاوت و ما باید در قبالش مسئول باشیم . اگر چه ، در همین حال ، اگر ما هدف استاندارد از حقیقت نداشته باشیم که بوسیله ی اون تمامی این تجربیات را بسنجیم ، پس به سمت همه نوع ایده های غلط و کاذب کشیده خواهیم شد . در اینجا است که من متقاعد شدم که بیشتر مکالمات روزانه ای که بین مسیحیان پیرامون جنگ روحانی رد و بدل می شه برطبق کلام صحیح نیست و اغلب برپایه ی تجربیات هست ، در پایان ، حقیقت اینه که این مسئله بیشتر مطابق با اعتقادات غیر مسیحیانه تا اینکه بر اساس کتاب مقدس باشه . این مسئله با جهان بینی نهانی که شیطان در آن باخشم درحال خروشدینه ، در ارتباطه.

پس، ما کجا پاسخهامون رو پیدا می کنیم؟ پایه ی بحثمون کجا خواهدبود؟ به یاد داشته باشید ، کتاب مقدس پاسخ هر سؤالی رو که ممکنه مطرح کنیم نمی ده. حالا ، این مسئله در تمام انواع سؤالاتی که ممکنه برامون پیش بیاد و شرایطی که ممکنه باهاش مواجه بشیم صدق میکنه ، و مخصوصاً در رابطه با جنگ روحانی صدق میکنه . چگونه شیطان شریر شد ؟ چگونه آن دیو زده که در کلام راجع بهش نوشته شده ، دیو زده شد ؟ کتاب مقدس در واقع به اون سوال پاسخ نمی ده . همچنین خواهیم دید که کتاب مقدس به سؤالاتی که در دنیای امروز داریم پاسخ نمی ده ، اما خبر خوش اینه که این مسئله به این معنی نیست که ما نا امیدانه رهاشده ایم . خداوند در آسمان با خودش نمیکه که " کاش یادم می بود ! اگر می دونستم که اونها قراره این موضوع رو اون شب بخون و اینچنین سؤالاتی رو بپرسن ، حتماً پاسخها رو همونجا می گذاشتم . " خداوند این را نمیکه . به این دلیل که — خبر خوب اینه : آرام باشید ... کتاب مقدس پاسخ هر سؤالی را که برای زندگی در جلال خداوند نیاز داریم می ده. کلام پاسخ هر سؤالی رو که می پرسیم نمی ده ، اما پاسخ هر سؤالی رو که برای رشد ما در مسیح و تجربه ی پیروزی در این دنیا نیاز باشه می ده . این خیلی مهمه.

می خوام با شما رو راست باشم . من یک مسیحی غربی هستم ، در جهان غرب ، باطرز فکری غربی متولد شدم . من دوست دارم بگم که خود من درزندگی مسیحی ام باید بیشتر رشد کنم . تجربیاتم رو محدود کردم . فکر می کنم که تقریباً به همه جای دنیا سفر کردم اما هنوز خیلی از

کارهایی رو که خداوند در سراسر جهان درحال انجام دادنه ندیدم . تجربیات متفاوت زیادی وجود داره ، پس مسلماً ، زمانی که پای تجربه به میون می یاد من هنوز هم ، احساس کمبود می کنم ، اما از شما می خوام که گوش کنین ، حتی اگه ۵۰ سال گذشته ی عمرمو صرف سفر دور دنیا کرده بودم و هر چیز ممکنی رو تجربه کرده بودم ، هدف من بازهم سهیم کردن شما در تجربیاتم نبود . هدف من به مشارکت گذاشتن حقیقت کلام خداوند با شماست ، چون کلام پایه و اساسیه که ما به وسیله ی اون برتک تک تجربیاتمون نظر می کنیم . بنابراین، کار مهم ما بیشتر صرف زمان در کتاب مقدسه، تا رابطه ی بین تجربیات مون ، داستانه و حکایات تمام دنیا رو با کتاب مقدس در یابیم .

کلام مقتدر است . این مهمترین مسئله هست. ما مردمی هستیم که از طریق تجربه هدایت می شیم . من متقاعد شدم که یک گروه کوچک مسیحی که باهدف مطالعه ی کتاب مقدس تشکیل شده یکی از خطرناک ترین جاهایی هست که ممکنه درس قرار بگیریم . بله خطرناکه . خیلی از افراد دورهم می شینن و کتابهای مقدسشون رو باز می کنن . به جای اینکه درک کنن که کلام چه درسی را در اون روز به شنوندگان اصلیش می ده ، از همدیگه سوال می کنن ، که این مسئله براشون چه مفهومی داره . حقیقت اینه که آخرشم اونا انگار کلام رو مطالعه نکردن . اونا در تمام زمان مشغول درس دادن به همدیگه بودن . و هیچ چیز از کلام یاد نگرفتند .

ما افرادی تجربه محوریم ، بنابراین باید مطمئن شیم و اجازه بدیم که متن نقطه ی شروعی برامون باشه . ببینیم که ، متن چی می گه ؟ و اینکه مفهومش چیه؟ سپس ، سوالهامون رو تا زمانی که به متن نگاه می کنیم تودهنمون نگه داریم . آیا متوجه منظورم شدید؟ پس چطور به موضوع متن خواهیم پرداخت؟ این تنها خلاصه ای از چگونگی مطالعه در زمینه ی کلیسای مخفی کتاب مقدس ، هست . فقط می خوام بهتون یادآوری کنم که فرآیندی جهت بررسی کتاب مقدس زمانی که با این هدف به سمتش می رید وجود داره . ما به متن (کلام) گوش می کنیم. ما با فکر ، مکرراً گوش می کنیم . چیزهای مختلفی را در کلام جستجو می کنیم . صبورانه ، با تصور ، باتفکر، باهدف به کلام گوش می کنیم .

سپس ، به متن نگاه می کنیم. ما دنبال چیزهایی می گردیم که کلام بر آنها تأکید داره ، آنها را تکرار می کنه و آنها را به هم وصل می کنه و ربط می ده . این همون بررسی ای که ما شروع کردیم . متن چه چیزی رو بیان میکنه ؟

سپس ، به مفهوم تفسیر می پردازیم . متن چه معنی ای دارد ؟ تفسیر – ما متن را می آزماییم. برای درک یک متن ، باید به متون اطرافش نگاه کنیم . باید به دنیاشون سفر کنیم تا ببینیم کتاب مقدس چه چیزی رومی خواد به دنیای ما بگه . ما باید از اونجا شروع کنیم . بنابراین ، ما در متن ادبی تفکر می کنیم . ، بهمین دلیل که روش ارتباط برقرار کردن حقیقت در داستانهای انجیل خیلی متفاوت تر از روش بیان حقیقت در غزل سلیمانیه. تفاوت های خیلی بزرگ . به متون ادبی ، متون تاریخی – فرهنگی فکر کنیم . چیزهایی که در دوم پادشاهان در جریان شبیه چیزهایی نیست که در مکاشفه رخ می ده ، پس نیازه که بهش فکر کنیم . باید کلام یامتن الاهیاتی را درک کنیم و فقط چند کلمه ی کوچیک و آیه از اینجا و اونجا بر نداریم و بیرون بیاریم و شروع به ساختن فرضیات مختلف در موردش کنیم.

میتونید مزامیر باب ۱۴ رو باز کنیم جایی که می گه: خدایی وجود نداره و بگید ، " کتاب مقدس به وضوح این درس رو می ده که خدایی وجود نداره . " در آن صورت ، تمام محتوای متن را نادیده گرفتیم . شما باید مراقب باشید که چنین کاری نکنید. اصول کلی که باید به یاد داشته باشید: ما در حال بررسی نیت اصلی نویسنده هستیم . روح القدس از طریق یک انسان نویسنده در یک زمان خاص و مکانی خاص سخن گفته. متنی که بر مبنای کتاب مقدسه هرگز معنی ای جز آنچه که باید بده ، نمی ده . شما نمی تونید به راحتی قسمتی از متن را خارج کرده و برایش معنی کاملاً جدیدی خلق کنید. باید ببینیم که چه چیزی در اینجا در حال اتفاق افتاده. متن به درک ما از معنی شکل می ده. قانون متن همونیه که خود متن حکم می کنه. پس باید به متن نگاه کنیم.

اینجاست که از شما می خوام در رابطه با خطراتی که باید از اونها پرهیز کرد فکر کنیم – دو خطر عمده که باید از آنها دوری کرد . شماره ی یک قطعه قطعه کردن است، منظور من از استفاده از این کلمه جدا کردن قسمتهایی از متن – از متن اصلیه. حالا، این همون خطریه که حتی در راه طرح نکات جهت کلیسای مخفی وجود داره . شما چنین یاد داشتهای مختلفی از مکانهای متفاوت در اختیار دارید . باید خیلی مراقب باشیم ، برای اینکه اگر مراقب نباشیم ، آیه ای رو از جایی در عهد عتیق ، آیه ای رو از انجیل و آیه ای رو از رسولان ، بر می داریم، در کنار هم قرارشون می دیم ، و به راحتی به هم ربطشون می دیم و فکرمی کنیم که دقیقاً در مورد موضوعی واحد در زمان و مکانی

یکسان صحبت می کنن ، و با این کار این متون را از منابع اصلی شون جدا کردیم. ما می تونیم با این عمل کاری کنیم که کتاب مقدس هرچیزی رو که ما می خوایم بگه.

همچنین باید از فشرده سازی دوری کنیم، اینکه نوشته ای را از متنش به نوشته ای درمتن دیگر وارد کنیم. می خوام براتون مثالی در این زمینه بزنم ، که به طور خاص مربوط به جنگ روحانیه . اغلب اوقات ، کاری که مردم می کنن اینه که به سراغ مرقس باب ۵، داستان اخراج دیوها از مرد دیورده میرن . سپس، کل داستان و تمام صحبتیهایی که این داستان راجع به اخراج دیوها می کنه رو وارد افسسیان باب ۶ آن قسمت که پولس درحال سخن گفتن راجع به جنگ روحانیه ، می کنن. اونها فقط فکر می کنن که پولس درحال بحث در رابطه باهمون اتفاق خاص در مرقس باب ۵ هست، درحالی که واقعیت اینه که ، تفاوت های عمده ای وجود داره. بنابراین باید از هر دوی این خطرات دوری کنیم.

مشاهده – متن چی می گه؟ تفسیر – متن چه مفهومی داره؟ سپس، کاربرد – مامتن را به کار می بریم. چه طور می تونیم یک متن روبه عمل درآریم؟ اینجااست که ما حقایق بی انتها را شناسایی می کنیم ؛ و این حقایق را به امروز ارتباط می دیم. حالا، بسته به اینکه در اون جهان چی گفته، به دنیای خودمون میاریمش. و ما حقایق بی انتها رو به کار می بریم.

پس، نکته اینجااست. زمانی که برای آموختن در مورد جنگ روحانی به کلام خدا مراجعه می کنیم، ابتدا، باید به کلام گوش بدیم. سپس، باید کل متن رو درک کنیم. بعد، می تونیم شروع به پرسیدن سؤالهامون بکنیم، اما نمی تونیم سؤالهامون رو ازهمون اول مطرح کنیم بدلیل اینکه، اگر مراقب نباشیم، شروع به جستجو درکلام برای تمام سؤالهامون می کنیم. منظورمو درک کردید؟ این مسئله ی خیلی خطرناکیه، و خطر اینه که با این کار ما می تونیم به طور کامل از کتاب مقدس سوء استفاده کنیم . ما می تونیم فکرکنیم که به حقیقت وفادار موندیم درحالی که در تمام این مدت خودمونو گول زدیم. آیا این تاکتیک آشکاری از دشمن نیست؟ اینکه خودمونو متقاعد کنیم که مطابق باکتاب مقدس پیش میریم، درحالی که کلام را بر می داریم و طوری می پیچونیمش که مطابق با نظر ما خودشو وقف بده وجوابهایی رو به ما بده که می خوایم.

دشمن دراین جنگ روحانی نیرومنداست.

خوب، حقیقت پایه ی چهارم: دشمن درجنگ روحانی نیرومند است. اوشیریه که درجستجوی کسی برای بلعیدنه. شیرها فقط به یک دلیل پرسه می زنن- اونها قصدکشتن دارند - باید اینو درک کنیم، اگر دشمن ما یک انسان بود ، اگر چیزی جز قدرت بشری، نبوغ یا ابزار حيله گری نداشت، در اون صورت ما هم می تونستیم با قدرت انسانی از خودمون دفاع کنیم، اما دشمن اینطوری نیست. ما در جسم هیچ وجه مشترکی با دشمن نداریم. حقیقت اینه که، اگر قرار بود که خودتون با اتکاء بر نیروهای شخصی باشیطان مواجه بشید، در کمتر از چند ثانیه با پیش دستی بر شما چیره می شد. به این حقیقت فکر کنید. اگر قرار بود که خودتون باشیطان رو در روبشید، اون در کمتر از یک ثانیه با پیشدستی بر شما چیره می شد. شما یک دشمن نیرومند دارید .

حالا بعضی هامی گن ، "اصلاً چرا راجع به دشمن فکرکنیم؟ چرا تمرکز خودمونو فقط به خدا ندیم ؟ ذره ای از حقیقت در اون وجود داره ، اما به دوم قرنیتان ۱۰:۲-۱۱ گوش کنید. هرگاه شما کسی را ببخشید من نیز او را می بخشم و اگر لازم باشد که من هم او را ببخشم ، باید بگویم که من او را در حضور مسیح و بخاطر شما بخشیده ام. ما نمی خواهیم شیطان از این فرصت استفاده کند زیرا ما از نقشه های او بی خبر نیستیم. به قسمت آخراین آیه دقت کنید." ما نمی خواهیم شیطان از این فرصت استفاده کند زیرا ما از نقشه های او بی خبر نیستیم . "باید چشمانمان را باز کنیم . اگر در مسابقه ی ورزشی هستیم ، آیا خوب نیست که استراتژی تیم مقابل رو بدونیم ؟ و یا اینکه بدونیم در قدم بعدی قصد دارن چه کار کنن؟

باید چشمانمونو باز کنیم. ما باید دست روی زانو هامون بگذاریم و بایستیم. این نبرد روحانی هست، و به همین دلیل، باید به طرق روحانی در اون جنگ کرد. یعنی با دعا. باید بدونیم، اون کیه و بدونیم که چه طوری عمل می کنه. باید بدونیم، کیه و چطور عمل می کنه؟

من معتقدم باید بدونیم که شیطان دو هدف اصلی داره. شماره ی یک نابود کردن قوم خداست. شیطان می خواد قوم خدا را نابود کنه، به دومین هدف او نگاه کنید او میخواد جلال خداوند را خوار کنه. اومی خواد جلال خداوند را خوار بکنه. جنگ روحانی در نهایت نبردی بر سر جلاله، که در قسمت آخر مزمور ۹۶ بیان شده است.

یهوه را سرود تازه بسرایید! ای تمامی زمین خداوند را بسرایید ! خداوند را
بسرایید و نام او را متبارک خوانید! روز به روز نجات او را اعلام نمایید . در

میان امت‌ها جلال او را ذکر کنید و کارهای عجیب او را در جمیع قومها . زیرا خداوند
عظیم است و بی نهایت حمید . و او مهیب است بر جمیع خدایان . (مزامیر ۱: ۹۶-۴)